

موضوعات اصلی : قسط شناسی - ایران شناسی - عشق به خداوند

فریور باتمانقلیچ

محقق و نویسنده کتاب های مدیریت پیشرفته جهانی

و مدیریت و اقتصاد الاهی (اسلامی) ، اسلام واقعی

به نام حق تعالا

اسم و علامتش بخشدگی است و مهربانی

قسط شناسی :

مقدمه :

پسرم ایمان ، خیلی اصرار داشت که حتماً سخنرانی های آقای دکتر ملکیان را گوش کنم و

برخی از سخنرانی های این محقق اندیشمند را برای من ارسال نمود . وی می گفت نظرات وی به نظرات

تو نزدیک است . البته من قبلاً برخی از آنها را همچون سخنرانی های سایر اندیشمندان ، گوش داده بودم .

به او گفتم که روشنفکران و اندیشمندان کنونی کشور و جهان عرب بیشتر تحت تاثیر فلاسفه غرب می باشند و با قوانین اساسی قرآن دانا و حکیم بیگانه اند . نه تنها اندیشمندان از این قوانین بی خبر اند بلکه علما و فقهای شیعه و اهل سنت هم در این زمینه در غفلت کامل به سر می برند . دلیلش هم این است که قرآن کریم کتاب علمی – کاربردی هدایت است و باید با آن همچون همه قوانین علمی برخورد کرد . باید قوانین اساسی قرآن را تجربه کرد ، امتحان کرد ، اجرا کرد ، سعی و خطا کرد ، تا راهکار صحیح بهره برداری از آنها را کشف نمود . در این صورت است که می توان به نتایج عالی ، خیره کننده ، غیر قابل تصور اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی آنها دست یافت . خود این امتحان کردن یک قانون اساسی قرآنی به نام « شناخت ، ایمان قلبی ، عمل صالح (درست و شایسته) » است .

نقد سخنرانی دکتر مصطفی ملکیان

هدف از این مقاله آن است که نظر آقای ملکیان عزیز و سایر محققان ، اندیشمندان و روشنفکران دلسوز و خیراندیش کشور و ملت شریف و حق پرست ایران به موضوع بسیار مهم و نجات بخش « **قسط : مساوات و اخوت** » ، برابری و برادری همگانی جلب گردد .

قسط موضوعی بسیار ارزشمند است که مسلمانان جهان ۱۴۰۰ سال در مورد شناخت آن غفلت ورزیده اند. این موضوع آنقدر مهم است که اگر همه اندیشمندان جهان اسلام بسیج شوند و در مورد آن و ابعاد عملی و کاربردی، نتایج و ثمرات آن برای مسلمانان و بشریت کتاب بنویسند باز هم نخواهند توانست حق مطلب را به جای آورده و اداء کنند.

امروز لطف خداوند کریم بر این گرفته است که ملت حق پرست ایران در مسیر شناخت قسط و اقامه و اجرای آن قرار گیرد. بدین ترتیب ملت بزرگ ایران به زودی سرآمد همه مسلمانان جهان و ملت های شرک زده غرب و شرق قرار خواهد گرفت.

با توجه به این که اسلام واقعی با هر گونه ملی گرایی به شدت مخالف است قصد نداشته و ندارم مقاله ام رنگ ملی گرایی بگیرد. اما با توجه به این که سخنانی دکتر ملکیان در پاسخ به این پرسش مطرح می گردد که **چرا هیچ اجماعی درباره چیستی و کجایی ایران وجود ندارد** ؟ پس یک قسمت از این مقاله به این موضوع اختصاص داده شد تا هم دینم را به این ملت اداء کرده باشم و هم از افتادن اندیشمندان به یک دور باطل ایران پرستی - ایران ستیزی جلوگیری کرده باشم.

امروز اعتقاد راسخ دارم که ملت ایران مورد توجه حق تعالی است و باید این ملت حق پرست این لطف الهی و توجه خاص را درک کند و رفتار و عملکرد خود را هر چه زودتر اصلاح نماید تا هم به سرآمدی معنوی و قرآنی و برتری الهی دست یابد و هم بتواند به اقتصاد احد، رحمت بی منتهای

الاهی و خیر و برکت و نعمات بی شمار دست یابد و هم همه ملل مسلمان و بشریت را از شر شیاطین و اهریمنان نجات بخشد ، شیاطین پول پرست ، خودپرست و قدرت پرست . این لطف و توجه خاص قطعاً شامل هر ملتی نخواهد شد . ای ملت حق شناس ، بیدار و هوشیار شوید !

توزیع منصفانه خیرات اجتماعی :

بسیار خوشحال و خرسند شدم که یکی از محققان و اندیشمندان خیراندیش کشور از راه شناخت فلسفی به توزیع منصفانه خیرات اجتماعی : توزیع عادلانه مطلوب های اجتماعی برای افراد بشر ، ثروت ، شهرت ، قدرت سیاسی ، احترام ، آبرو ، رفاه ، آزادی ، محبوبیت ، نظم و غیره رسیده است . و بسیار متاسف شدم که وی در طی سخنرانی خود در این زمینه حتا یک بار هم به کلمه قرآنی « قسط » اشاره نمود . این امر مرا واداشت تا به شرح کلمه قسط و ثمرات آن پردازم .

فساد مالی گسترده و اختلاس های کلان در کشور نتیجه غفلت و عدم شناخت « قسط : مساوات و اخوت » توسط ملت خصوصاً اندیشمندان و روشنفکران و عدم مطالبه آن از روحانیون ، حوزه های علمیه ، مدیران عالی کشور و دولتمردان می باشد . مگر روحانیت لباس پیامبر رحمت و حکمت (ص) را به تن نکرده است ؟ پس چرا در ۴۰ سال گذشته بر ضد قسط عمل کرده و روش مدیریت الاهی پیامبر عزیز اسلام (ص) و مدیر مومنان امام علی (ع) را رها ساخته و به پیروی از عمر بن خطاب و

عثمان عمل کرده است؟ پس چرا در ۱۴۰۰ سال گذشته به دربار سلاطین روی آورده و روش مدیریت

استبدادی آنها را تایید نموده یک بار هم به اجرای قسط توسط مردم اقدام نکرده است؟

خیرات اجتماعی وقتی منصفانه توزیع می شود که شناخت و آگاهی مردم نسبت به قسط و ابعاد

اقتصادی و اجتماعی و ثمرات بینهایت ارزشمند آن افزایش یافته و به کمال برسد و بداند که سینه زدن

برای امام علی (ع) و امام حسین (ع) یعنی اقامه قسط : مساوات و اخوت و پیروی عملی از هدف

والای ایشان . امروز مهمترین عامل عدم دستیابی ملت به خیرات اجتماعی ، روحانیت و فریبکاری های

ایشان به نام مصلحت اسلام است . آیا هیچ مصلحتی بالاتر از اقامه و اجرای قسط در قرآن علیم می

توان یافت؟

قسط شناسی : موضوع بسیار مهم و کلیدی جهان اسلام و بشریت

اگر بخواهیم همه ابعاد اسلام را در یک کلمه خلاصه کرده و به رحمت بی کران الهی و نتایج

عالی آن دست یابیم آن یک کلمه « قسط » است . ثمرات قسط (مادی و معنوی) آنقدر زیاد است که

قابل احصاء و شمارش نمی باشد . اگر اقامه و اجرای قسط توسط مردم به درستی انجام شود در این

صورت اسلام واقعی به صورت خودکار ، اتوماتیک ، بدون صرف هزینه های هنگفت جهت تبلیغات اسلام ، به اجرا در آمده و چهره زیبا و دوست داشتنی خداوند و اسلام آشکار می گردد . به صورت خودکار جامعه از آلودگی ها ، عیوب ، نواقص ، اسراف ها ، اتلاف ها ، گناهان و سیئات (بدی ها) پاک و مطهر و منزه می گردد .

تحقق اسلام به هیچ عنوان نیازمند به هزینه های سرسام آور تبلیغات نمی باشد ، نه جهت تبلیغ توسط حوزه های علمیه و سازمان تبلیغات اسلامی و صدها دارالتبلیغ در داخل و خارج از کشور و نه جهت اجرای آن . بلکه اجرای اسلام همراه با خلاقیت و نوآوری و بهره برداری از مغزهای مردم بوده و ثروت انبوه تولید می کند .

اجرای صحیح قسط انفجار نور است و همه ملت های جهان را جذب می کند و چهره زیبا و ابعاد شگفت انگیز اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اسلام واقعی را نمایان می سازد . لذا در اینجا لازم است به برخی از آنها اشاره شود :

- یک محقق با کمی تحقیق و تفقه علمی در قرآن دانا و حکیم موفق به کشف ابعاد گوناگون اسلام واقعی می گردد :

اسلام شناسی قرآنی - علمی - کاربردی :

- (۱) - اسلام دین قسط شناسی و قسط گستری در سطح جهان : اقامه و اجرای مساوات و اخوت (برابری و برادری همگانی و فراگیر) توسط مردم برای مردم .
- (۲) - اسلام دین حکمت شناسی و حکمت زایی و حکمت گستری در سطح جهان .
- (۳) - اسلام دین خودنگهدار : خودکار ، خودگردان و خودکفا .
- (۴) - اسلام دین خلاق و نوآور (دین خلاقیت و نوآوری همگانی) .
- (۵) - اسلام دین خیراندیشی و خیرپردازی و خیرسازی همگانی .
- (۶) - اسلام دین بی نیازساز .
- (۷) - اسلام دین رضایت بخش همگان (خداوند و مردم) .
- (۸) - اسلام دین بخشندگی و مهربانی : خداوند یگانه ، دانا و حکیم ، عقل مطلق و عشق و محبت مطلق ، خیر مطلق است و اساس دین خود را بر بخشندگی و مهربانی (رحمانیت و رحیمیت) نهاده است .
- (۹) - اسلام دین رحمت شناسی ، اسلام رحمانی : رحمت بی کران الهی : نعمات و برکات بی شمار مادی و معنوی برای همگان (مسلمانان و بشریت) .
- (۱۰) - اسلام دین تطهیرشناسی : پاک و مطهرساز مردم و جامعه (از انواع شیاطین ، شرها ، آلودگی ها ، بیماری های فردی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی) .

- (۱۱) - اسلام دین توحید شناسی : شرک زدایی ، شرّ زدایی ، شک زدایی و شیطان زدایی .
- (۱۲) - اسلام دین حمد شناسی : تشکر و قدردانی از کار نیک مردم .
- (۱۳) - اسلام دین حق پرستی و باطل ستیزی : تحقیق و تفقه علمی اساس دین و زندگی .
- (۱۴) - اسلام دین با معرفت و معروف شناسی : عقل و عقلانیت شناسی ، علم و دانش شناسی
- (۱۵) - اسلام دین ایمان شناسی - عمل صالح شناسی : شناخت و معرفت ، ایمان قلبی ، عمل صالح (شایسته ، بی عیب و نقص ، بدون اسراف و تبذیر) .
- (۱۶) - اسلام دین امامت شناسی و خلافت شناسی : خلافت ، امامت و رهبری همگانی مردم ، توزیع مساوی قدرت سیاسی در جامعه اساس دین خداوند یگانه .
- (۱۷) - اسلام دین آزادی و انتخاب آزاد دین : اسلام دین لا اکراه فی الدین . اسلام برترین دین جهت انتخاب آزاد .
- (۱۸) - اسلام دین بت شکنی : پاک سازی ذهن و عقل از خدایان دروغین : پاک سازی جامعه از عوامل انحراف زا و جامعه جهانی از اندیشه های بیماری زا و شیطانی و خشونت طلب .
- (۱۹) - اسلام دین اقتصاد احد ساز : ایجاد امت مقتصده .
- (۲۰) - اسلام دین امت واحده ساز : ایجاد همبستگی و اتحاد برادران دینی .
- تمام موارد فوق بیان یک اسلام می باشند ، اسلام واقعی که زیربنای آن قسط است .

معجزه قسط : معجزه تحقق مساوات و اخوت

معجزه تحقق برابری و برادری همگانی

❖ - معجزه قسط : هدف تمامی پیامبران الاهی : تحقق عدالت اجتماعی برای همه مسلمانان و مردم جهان .

❖ - قسط : یک قانون اساسی قرآنی است ، که تاثیرات کثیر و عظیم و بی نهایت مفید و خیر برای مردم و جامعه و جهان و بشریت داشته و متأسفانه باید گفت که مسلمانان ، چه شیعه و چه سنی ، از تحقیق و تفقعه در این زمینه غفلت کرده اند .

❖ - در اینجا بخش کوچکی از نتایج و ثمرات عالی اقامه و اجرای قسط توسط مردم برشمرده می شود :

(۱) - قسط هدف همه پیامبران الاهی بوده و ثمرات آن برای بشر غیرقابل احصاء و شمارش و بی نهایت است .

(۲) - روحانی ای که قسط : مساوات و اخوت را شناسد و آن را برای مردم بیان نکند و در جهت

تحقق آن به مردم یاری نرساند ، نه روحانی است ، نه اسلام شناس است ، نه فقیه است و نه مجتهد

(۳) - انقلابی که قسط : مساوات و اخوت : برابری و بردری همگانی را شناسد و در جهت تحقق

قسط توسط مردم ، اقدام نکند نه انقلاب اسلامی است ، نه انقلاب نجات بخش مردم و بشریت

است و نه اصلاً انقلاب است .

(۴) - بسیاری از مفسران « قسط » را به معنای « عدالت اجتماعی » تعریف کرده اند و عدالت را نیز به

معنای : « هر چیزی را در جای مناسب خود قرار دادن » ، که این تعاریف در عین حال که ظاهراً

درست است اما تعاریفی گنگ و ناقص می باشند . در حالی که خداوند برای مفاهیم قرآنی

تعاریفی صریح و روشن و با مصداق عملی و کاربردی (بر اساس فرمول شناخت ، ایمان قلبی و

عمل صالح) مطرح نموده است . بر این اساس « قسط » در قرآن دانا و حکیم به معنای مساوات و

اخوت است و با این تعریف است که عرب بادیه نشین در صدر اسلام معنای واقعی عدالت

اجتماعی را درک می کند و مسلمان می شود .

(۵) - اقامه و اجرای قسط توسط مردم ، در ابتدا در تمام ادیان ابراهیمی وجود داشته و اصلاً نیاز به

روحانی و صنف روحانیت و مداح و صنف مداحان و هزینه های سرسام آور برای تبلیغ و یا اجرای

دین نبوده است . بر این اساس ، دین حضرت موسی (ع) ، یهودیت اصلی ، نیازی به خاخام نداشته

و ندارد. همچنین دین حضرت عیسا (ع)، مسحیت اصلی، هم نیازی به کشیش و اسقف و پاپ نداشته و ندارد. اسلام واقعی نیز اصلاً نیازی به روحانی و مداح و تبلیغ کننده و ارباب دین و آموزش این همه طلاب و مجتهد و شریعت شناس دین ناشناس ندارد. وجود روحانیت در همه ادیان نتیجه نگاه انحرافی به واقعیت دین است. اگر روحانیون همه ادیان دین واقعی خداوند را می شناختند و به اجرا در آورده بودند امروز قسط: مساوات و اخوت در جهان به اجرا در آمده بود و فقر و گرسنگی و فحشا و فساد در همه کشورها ریشه کن شده بود.

(۶) - اسلام دین حکمت شناسی و حکمت زایی و حکمت گستری در سطح جهان: ساختار حکومتداری حکیمانه و مدیریت خردمندانه مبتنی بر خرد جمعی، شورا، مردم سالاری دینی (واقعی) بر اساس اقامه قسط و توزیع مساوی تمامی خیرات و نعمات در بین مردم (نعمات دنیوی و معنوی، ثروت، قدرت سیاسی، معرفت، علم و دانش، بهداشت و درمان، سلامتی، لذات دنیوی و اخروی، نظم، تقوا و خودنگهداری، احترامات اجتماعی، آبرو، حمد و تشکر و قدردانی از کار نیک، عشق و محبت، کمال گرایی، سلسله نیازهای انسانی) است.

مدیر مومنان امام علی (ع):

«ای مردم این امر (حکومت) امر شما است؛

هیچ کس جز آن که شما او را امیر (مدیر، رهبر، پیشوا، امام، والی) خود گردانید،

حق حکومت بر شما را ندارد.

ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من پذیرش ولایت شما را ناخوشایند داشتم ،
ولی شما این را نپذیرفتید و جز این که من تشکیل حکومت دهم ، رضایت ندادید .

آگاه باشید که من کسی جز کلیددار شما نیستم

و نمی توانم حتی یک درهم به ناروا از بیت المال بگیرم .»

(ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ؛ الطبری ، تاریخ الرسل و الملوک)

(۷) - اختصاص بودجه های فزاینده و هزاران میلیاردی دولتی برای حوزه های علمیه ، سازمان تبلیغات اسلامی ، نماز جمعه ، گنکره های نماز ، همایش های بین المللی تبلیغ شیعه و اسلام و دارالتبلیغ های بسیار با نام های متفاوت در سی سال گذشته در داخل و خارج کشور ، نشان دهنده آن است که انقلاب کبیر اسلامی مردم ایران توسط روحانیون به انحراف کشانیده شده است . چندین برابر این هزینه ها توسط حکومت آل سعود در عربستان و جهان انجام می شود . اسلام واقعی نه تنها نیاز به بودجه برای تبلیغ و توسعه ندارد بلکه خود تولید کننده ثروت عظیم برای مردم و کشور و جهان اسلام است . بر این اساس همه ملت ها و مردم دنیا وقتی خیر و برکت و نعمات مادی و معنوی بی شمار دین اسلام را ببینند خود شیفته آن گردیده و به توسعه و اجرای آن در همه جوامع و در سطح جهان همت خواهند گذاشت .

(۸) - تهیه ۲۳ برنامه تلویزیونی از ثمرات عالی و خیره کننده اجرای نظام مشارکت ، کیفیت و بهره وری و تشکیل ۱۴۰۰ گروه کیفیت و بهره وری (گروه دانایی و معرفت) در مدتی کوتاه در

وزارت نفت و پخش مکرر آن از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده آن است که خیانتی بزرگ در صنعت نفت و کشور رخ داده و مردم از ثمرات عالی اسلام واقعی و تحقق قسط محروم گشته اند. انقلاب اسلامی می توانسته است پا به پای کشورهای ژاپن و کره جنوبی و سنگاپور رشد و پیشرفت نماید اما با نبود ساختن ساختار نظام مشارکت، کیفیت و بهره وری در وزارت نفت از این امر محروم گشته است.

(۹) - توزیع کارخانجات و رانت ها در بین برخی روحانیون، اختصاص واردات کالا به روحانیون و آقازاده های ایشان و دولتمردان حکومت اختلاف شدید طبقاتی در جامعه ایجاد کرده است. سفره های رنگین روحانیون و خانواده های ایشان و سفره های خالی کارگران و محرومان حکایت از انحراف و خیانت به قرآن دانا و حکیم، اسلام واقعی، انقلاب کبیر اسلامی مردم ایران و مستضعفان که ولی نعمتان انقلاب بوده و هستند، می نماید.

(۱۰) - شیخ صدوق در هزار سال پیش معنای واقعی « قسط » را بیان داشته و مصداق عملی آن را ذکر نموده است. شیخ صدوق همچنین بیان داشته که اولین کسی که قسط: مساوات و اخوت را زیرپا نهاد عمر بن خطاب بود. عمر در زمان خلافت ابوبکر پیشنهاد زیرپا نهادن قسط را با وی مطرح کرده بود لیکن وی نپذیرفت که این سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) و هدف تمامی پیامبران الهی را زیرپا بگذارد. اما وقتی عمر خود قدرت را به دست گرفت قسط را زیرپا نهاد (الخصال، الشیخ الصدوق، ص ۱۷۱).

(۱۱) — علی (ع) به این عمل، زیرپا نهادن قسط توسط عمر، اعتراض نمود اما عمر به او توجه نکرده و اموال بیت المال را به طور نامساوی در بین مسلمانان تقسیم نموده و از اسلام واقعی منحرف گردید. شرح کامل این اقدام عمر در تواریخ شیعه و اهل سنت ارائه شده است (تاریخ یعقوبی، مورخ قرن سوم هجری، ج ۲، ص ۱۵۳ و ۱۵۴). مسلماً عمر، همچون اکثریت روحانیون شیعه و اهل سنت در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام می دانسته است که قسط: مساوات و اخوت چه جایگاه عظیمی در قرآن دانا و حکیم داشته و چرا خداوند آن را هدف همه پیامبران الهی قرار داده است. همان کسانی که در راه اسلام جهد و جهاد بسیار نموده و یک روز جزء مقسطین بودند، فریب شیطان درون خود را خورده و به قاسطین (قاسطون) تبدیل شدند. مدیر مومنان امام علی (ع) در زمان خلافت خود در پاسخ به اعتراض کنندگان به اجرای قسط و مساوات فرمود: ((اگر مال از آن خودم بود آن را مساوی تقسیم می کردم چه رسد به این که مال مال الله است)): «و لو كان المال لي لسويت بينهم فكيف و انا المال مال الله». البته این موضوع در کتاب های بسیاری از روحانیون کشور ارائه شده و در قانون اساسی کشور، هم در مقدمه و هم اصول متعدد، ذکر گردیده است. حال این سوال پیش می آید: پس چرا مدیران عالی و دولتمردان حکومت به این امر بی توجهی نموده و قسط را زیرپا نهاده اند؟ خدا عالم است.

(۱۲) - ثمرات اقامه و اجرای قسط در جوامع، بی شمار، بی نهایت و غیر قابل تصور است. چه اسلامی

و چه غیر اسلامی. تا مسلمانان به ارزش واقعی قسط پی نبرند و همچون پیامبر رحمت و حکمت

(ص) در جهت تحقق آن اقدام نکنند اسلام واقعی تحقق نخواهد یافت.

(۱۳) - یکی از ثمرات اجرای قسط آن است که جامعه به صورت خودکار (اتوماتیک) پویا و فعال

گردیده و همزمان هزاران مساله و مشکل آن به دست خود مردم حل شده و راه های رشد و توسعه

جهش وار ایجاد می شود.

(۱۴) - قرآن دانا و حکیم می فرماید: پیامبران الهی هیچ سلطه ای بر مردم نداشته اند. سلطه واقعی

فقط و فقط از آن خداوند یگانه (عقل مطلق، عشق و محبت مطلق، خیر مطلق و قدرت مطلق)

است که آن را از طریق قوانین الهی (ملائکه) بر جهان آفرینش و جوامع اعمال می کند.

(۱۵) - قرآن علیم حکیم هر گونه سلطه ورزی بر مردم، توسط هر کس یا هر چیز را محکوم می کند

. چه سلطه ورزی طاغوت، چه سلطه ورزی فرعون، چه سلطه ورزی ملک، پادشاه، سلطان یا

امپراتور، و چه سلطه ورزی علمی و فقهی و روحانی. همچنین سلطه ورزی خدایان باطل عهد

باستان و یا عهد مدرنیته و پست مدرن. هر کس یا هر چیز که سلطه ورزی کند و یا بخواهد نقش

«ارباب» را برعهده گیرد، ضد اسلام واقعی عمل کرده است. در اسلام واقعی مردم در آزادی

کامل به طرح پیشنهادهای خود پرداخته و با تجزیه و تحلیل و ارزیابی آن در گروه خود، آنها را

به پیشنهادهای خیر و مفید و سودمند تبدیل می کنند.

(۱۶) - خداوند یگانه (که عقل مطلق ، عشق و محبت مطلق ، خیر مطلق و قدرت مطلق است) ، راهکار جلوگیری از سلطه گری فردی و یا صنفی و یا حزبی را تشکیل گروه های دانایی و معرفت (عرافه ها) از عموم مردم دانسته است . تشکیل گروه های داوطلب (ده نفره) از مردم که هر هفته دور هم جمع شده و عقل ها را روی هم گذاشته و به حل مسائل و مشکلات خود و جامعه می پردازند .

(۱۷) - بدین ترتیب پیشنهاد روشن و مشخص برای مردم ایران و مسلمانان جهان این است که **هشتاد میلیون ایرانی ، هشت میلیون گروه دانایی و معرفت تشکیل دهند . همچنین دو میلیارد مسلمان در سطح جهان دویست میلیون گروه دانایی و معرفت تشکیل دهند .** این گروه ها در قرآن کریم حکیم " **امت های دعوت کننده به خیر** " نامیده شده اند . این گروه ها هستند که موجب تحقق قسط ، مساوات و اخوت در جامعه و توزیع عادلانه و مساوی ثروت در بین مردم می شوند . این گروه ها پاسدار واقعی اسلام واقعی می باشند .

(۱۸) - این حق مسلم مردم است که قسط را به اجرا درآورده و اقامه کنند . زیرا خداوند تمام نعمات و برکات بی شمار الاهی را برای مردم آفریده و تنها با اجرای قسط است که نعمات استخراج و استحصال شده و به دست همگان می رسد . درهای رحمت بی کران الاهی با اجرای قسط : مساوات و اخوت گشوده می شود و همگان از آنها بهره مند می گردند .

(۱۹) - با اجرای قسط توسط مردم است که فقر و گرسنگی و درماندگی نابود می شود. انقلاب اسلامی ایران با هدف تحقق قسط، برابری و برادری همگانی سریعاً به پیروزی رسید ولی متأسفانه بعداً توسط برخی از روحانیون به انحراف کشانیده شد.

(۲۰) - با اجرای قسط توسط مردم است که مغزهای همگانی خلاق و نوآور شده و پیشنهادهای گروهی خیر، مفید و عالی تولید می شود و این پیشنهادهای گروهی است که ثروت انبوه و رشد و پیشرفت عالی و غیرقابل تصور پدید می آورند. اسلام دین خلاق و نوآور است. اسلام دین خلاقیت و نوآوری همگانی است. مغز انسان ها، بزرگ ترین خیر و برکت الهی است. این بزرگ ترین ناشکری در حق این نعمت بزرگ خداوند است که مغز انسان ها دست نخورده و بدون بهره برداری عالی از آن به زیر خاک برود. بر این اساس تقلید در ادیان، فقه شیعه، اهل سنت و سایر ادیان، بزرگ ترین خطا و گناه است که در حق پیروان ادیان، شیعیان، مسلمانان و بشریت روا داشته شده و قطعاً ضد اسلام واقعی است. با این خطای بزرگ روحانیون، فقها و علمای ادیان گوناگون هزاران سال است که مغزهای پیروان خود را منجمد کرده، پوسانیده، نابود ساخته و بدون بهره برداری به زیر خاک فرستاده اند. بزرگ ترین گناه فرعونیت و استبداد و مستبدان تاریخ نیز همین امر می باشد.

(۲۱) - اسلام دین خیراندیشی و خیرپردازی و خیرسازی همگانی است و اقامه و اجرای قسط راهکار آن است. همه قوانین اساسی قرآن سرشار از خیر و برکت برای بشریت است و اختصاصی هم به

مسلمانان (اسمی!) ندارد. در واقع آن کسی مسلمان است که به این قوانین عمل کند و از آنها بهره لازم ببرد و به همه مردم جهان، مسلمان و غیرمسلمان خیر برساند. اگر خودمان را مسلمان بنامیم ولی قسط را اقامه و اجرا نکنیم پس مسلمان واقعی نیستیم. اگر خودمان را مسلمان بنامیم ولی حمد و تشکر و قدردانی از کار نیک دیگران را نشناسیم و نظام حمد و تشکر و قدردانی فراگیر را به اجرا در نیاوریم پس مسلمان نیستیم. اگر خودمان را مسلمان بنامیم ولی توحید: نظام شرک زدایی فراگیر را در جامعه به اجرا در نیاوریم، نظام مدیریت سازمان ها و جامعه و نظام حکومتداری کشورهای مان آلوده به انواع شرک، فردپرستی، پول پرستی، قدرت پرستی، مرده پرستی، زنده پرستی، ارباب و رعیتی، آلوده باشد پس در این صورت اصلاً مسلمان نیستیم... اگر خودمان را مسلمان بنامیم ولی حج مان خیررسانی به همه مسلمانان و غیرمسلمانان و فرزندان آدم ابوالبشر در عالم نباشد پس فلسفه حج را نشناخته و به آن عمل نکرده ایم پس باز هم مسلمان واقعی نیستیم.

(۲۲) - مسلمان کسی است که نسبت به مردم جهان با بخشندگی و مهربانی رفتار کند. به راه انداختن جنگ و خونریزی به بهانه گسترش اسلام، ضد اسلام واقعی است. ضد رحمانیت و رحیمیت خداوند است. اسلام فقط و فقط با بخشندگی و مهربانی توسعه می یابد. و بخشندگی و مهربانی هم با اجرای قسط: مساوات و اخوت (برابری و برادری همگانی) تحقق می یابد. خشم و غضب و خشونت ابزار دست شیطان است. جنگ و خونریزی و کشتن انسان های بی گناه ابزار دست

شیاطین قدرت پرست ، پول پرست ، منفعت پرست ، شهرت پرست ، خودپرست ، فرد پرست ، خودمحور ، مستبد ، خودرأی ، سرمایه دار و سرمایه پرست می باشد .

(۲۳) - اگر عده ای ادعا کردند که اسلام را می شناسند اما هزاران سال مردم را از دستیابی به رحمت بی کران الاهی و نعمات و برکات بی شمار محروم ساختند پس معلوم می شود که آنها اسلام شناس نیستند . روحانیون ادیان گوناگون چنین ادعایی داشته و دارند و پیوسته مردم را به پیروی و تقلید از خود دعوت می کنند . ادعا دارند به اختیار یا به زور می خواهند مردم را به بهشت ببرند ! در حالی که هیچ یک از پیامبران مردم را به پیروی از خود دعوت نکرده اند بلکه فقط به پیروی از قوانین الاهی دعوت کرده اند . بر این اساس هیچ یک از روحانیون ادیان ، اسلام واقعی یعنی دین همه پیامبران را نمی شناخته اند و مردم را از دستیابی به بهشت باز داشته اند . « و ازلفت الجنة للمتقین غیر بعید » : (بهشت به متقیان ، خودنگهداران ، نزدیک است و اصلاً بهشت دور نیست)

(۲۴) - با اجرای قسط : مساوات و اخوت توسط مردم است که اخلاق حسنه در جامعه توسعه می یابد ، نظام حمد و تشکر و قدردانی از کارنیک مردم تحقق می یابد ، دروغگویی و ریاکاری نابود می شود ، صداقت در همه امور ترویج می یابد ، حسادت ها در جامعه از بین می رود و حرص و طمع جمع آوری و انباشت مال و ثروت تالاب گور ، نابود می شود و بشر به این عقل و شعور و پختگی

می رسد که ((بنی آدم اعضای یکدیگرند - که در آفرینش ز یک گوهرند)) . همان چیزی که تا کنون بدان دست نیافته است .

(۲۵) - در جامعه دانا ، با فرهنگ و فرهیخته ، قسط : مساوات و اخوت (برابری و برادری همگانی) یک فضیلت است و برتری طلبی ، خودپرستی ، پول پرستی ، خودبرتربینی ، منفعت پرستی و جمع آوری مال و ثروت (کنز) ، یک رذیلت . زیرا مردم می دانند و یقین حاصل کرده اند که همه فسادها از اینجا شروع می شود . در جامعه غربی جای این دو عوض شده و سرمایه داری و پول پرستی و چاپیدن اموال مردم دنیا به عنوان یک برتری قلمداد شده و به راه انداختن جنگ ها جهت فروش بیشتر اسلحه را هم حق جلوه می دهند . به همین دلیل است که سعی دارند فرهنگ منحوس لیبرالیسم و اقتصاد سرمایه داری را بر جهان حاکم ساخته و به عنوان تنها راه نجات بشریت به جهانیان معرفی کنند .

(۲۶) - قانون اساسی قسط : مساوات و اخوت ، عدالت اجتماعی بر اساس برابری و برادری همگانی ، اولین و مهم ترین درسی است که باید در تمام دانشگاه ها و مدارس و حوزه های علمیه تدریس شود . تمام دانش آموزان ، دانشجویان ، طلاب ، علما ، دانشمندان و اندیشمندان باید تحقیق و تفقه جامع قرآنی - علمی - کاربردی در این زمینه را آغاز نمایند تا به شناخت درست و ایمان راستین از اسلام واقعی دست یابند .

(۲۷) - قسط بر همه ارکان جامعه و اخلاق و رفتار و منش مردم تاثیر می گذارد . قسط زیربناست . اما بر اساس زور و دستور تحقق نمی یابد . بلکه بر اساس عقل و خرد و عقلانیت و تحقیق محقق می

شود. باید ارتباط علمی و عملی و کاربردی قسط (برابری و برادری همگانی) با همه امور جامعه مورد بررسی و تحقیق جامع قرار گیرد. باید تحقیق شود چگونه قسط فساد سیستماتیک اداری و اجتماعی در ایران و رشوه دهی و رشوه گیری در دستگاه های دولتی را نابود می سازد؟ باید تحقیق و تفقه شود چگونه قسط دروغگویی، ریاکاری، تملق گویی و چاپلوسی را نابود می کند؟ باید تحقیق و تفقه شود که تشکیل گروه های دانایی و معرفت از عموم مردم، چگونه نقش اساسی در اصلاح امور جامعه داشته و هدایت مردم به سوی ساختن یک جامعه الهی و انسانی را بر عهده می گیرد؟ همچنین باید تحقیق و تفقه شود که چگونه وجود یک نفر مدیر خودمحمور یا روحانی خود محور، همه امور جامعه را به انحراف کشانیده و موجب توسعه فساد و تباهی در همه ارکان سازمان ها و کشور و تباهی اخلاق مردم می گردد.

(۲۸) - اجرا و اقامه قسط راهکار واقعی واگذاری کار مردم به مردم است، واگذاری قدرت به مردم است، واگذاری تصمیم سازی و تصمیم گیری به مردم است.

(۲۹) - توحید و یگانه پرستی زمانی در جامعه تحقق می یابد و همه جلوه های گوناگون شرک نابود می شود که قانون اساسی قسط: مساوات و اخوت در بین مردم و توسط خود ایشان به اجرا درآید.

قسط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

(۱) قسط - اصل دوم قانون اساسی، بند ج: نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.

(۲) قسط - اصل چهاردهم قانون اساسی: به حکم آیه شریفه « لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین »: ((خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده اند و از سرزمین تان بیرون نرانده اند، باز نمی دارد خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند دوست دارد)) (سوره ممتحنه، آیه ۸)، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

(۳) - قسط - اصل ۱۰۴ قانون اساسی: به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می کند.

ایران شناسی : موضوع بسیار مهم دوم

ایران کجاست و ملت ایران چه مشخصات و ویژگی هایی دارد ؟

سوال از آقای ملکیان : چرا هیچ اجماعی درباره چستی و کجایی ایران میان

نخبگان و مدیران فکری و مدیران نهادی حکومت وجود ندارد ؟

خلاصه پاسخ : هر هویتی و ماهیتی برای ایران در نظر بگیریم با مشکلی مواجه خواهیم شد . اگر

مفهوم ایران را یک مفهوم نژادی ، مفهوم زبانی ، مفهوم جغرافیایی ، مفهوم فرهنگی بدانیم با مشکل

مواجه خواهیم شد . مشکل این است که مفهوم ایران یک مفهوم اعتباری است و شما وقتی می خواهید

این مفهوم قراردادی و اعتباری را هر جا بنهید ترجیح به نا مرجح است . باید این قرارداد را به صورتی

وضع کنیم که با وضع کنونی ما آشتی بیشتر داشته باشد . ایران یعنی مجموعه انسان هایی که الان تحت

حاکمیت واحدی به سر می برند . یک حاکمیت سیاسی واحد .

سوال از آقای ملکیان : چرا جامعه ایران یکپارچه نیست ؟

خلاصه پاسخ : یکپارچگی یک معنای واحد ندارد . لایه های فرهنگی متفاوت و متمایز از

یکدیگر ، دین ها و مذاهب متفاوت ، سبک های زندگی متفاوت سنتی و مدرن ، موضع واحد نسبت

به حکومت وجود ندارد ، علت عدم یکپارچگی کاهش علقه های اجتماعی نسبت به یکدیگر ، اتمیزم اجتماعی نسبت به یکدیگر ، ... اول کاری که باید کرد باید جلو رشد این اتمیزم اجتماعی را گرفت .
لطفاً جهت دریافت شرح کامل پاسخ های استاد ملکیان به سخنرانی ایشان در این زمینه مراجعه فرمایید . در اینجا جهت نقد سخنرانی دکتر ملکیان و شناخت هویت و ماهیت ایران و ایرانی مطالب زیر با عنوان ایران شناسی : ایران یک واقعیت بزرگ در هفت قسمت تقدیم حضور می گردد :

ایران شناسی (۱) : ایران یک واقعیت بزرگ

ایران یک واقعیت است زیرا که حدود ۲۵۰۰ سال قبل شخصیتی همچون کوروش را پدید آورد که غربی ها او را « کوروش کبیر » می نامند . این رهبر ثمره هزاران سال رشد جامعه ایران باستان می باشد . این رهبر با هیچ یک از رهبران دیگری که غربی ها یا شرقی ها آنها را « کبیر » دانسته اند قابل قیاس نیست .

قرآن دانا و حکیم کوروش را « ذوالقرنین » نامیده و در آیات متعدد رفتار و عملکردهای او را بر شمرده است . ما به او در روی زمین مکت (قدرت ، توانایی و حکومت) دادیم و اسباب هر چیز را در اختیارش نهادیم (**سوره کهف آیه ۸۳ - ۹۹**) . قصه کودکی پیامبران در قرآن کریم خوانندی

است . تمام پیامبران تحت تربیت الاهی قرار گرفته و در شرایط خاص و غالباً سخت پرورش یافته اند . صبر و شکیبایی و مردم دوستی و ظلم ستیزی اولین درس هایی است که پیامبران را به درجه عالی انسانیت رسانیده است . این گونه است که رفتار پیامبران و اولیاء خدا با فرعون ها و دیکتاتورها و مستبدان خودپرست کاملاً فرق می کند . تنها تربیت الاهی ، مبتنی بر اقامه و اجرای قسط : مساوات و اخوت است که خوی سبوعیت و وحشی گری و خود پرستی را از وجود انسان ها پاک می سازد .

ابوالکلام آزاد (سیاست مدار و مفسر بزرگ قرآن ، او مدتی رهبری حزب کنگره ملی هند را به عهده داشت ۱۸۸۸ - ۱۹۵۸) ، متفکر هندوستانی در کتاب « ذوالقرنین یا کوروش بزرگ » ، و شماری از مفسرین معاصر مانند علامه طباطبایی ، مفسر قرآن صاحب المیزان ، ج ۱۳ ص ۳۸۸) ، حکایت از آن دارند که مشخصات ذکر شده از ذوالقرنین در قرآن کریم و تاریخ ها ، با کردار و منش تاریخی کوروش بزرگ همسویی دارد و وی را همان کوروش می دانند .

کوروش ۱۱۰۰ سال قبل از محمد (ص) پیامبر رحمت و حکمت زیسته است . اعراب تا کنون کوروش را به عنوان « ذوالقرنین » پذیرفته اند . و با این که یقین دارند قرآن علیم تاریخ و شرح حال پیامبران الاهی را بیان می دارد لیکن برخی از مفسران او را فردی صالح شمرده اند و تا کنون کسی همچون « ذوالقرنین » را که نجات بخش اقوام و ملت های متعدد از شر پادشاهان ظالم و خونریز خودشان بوده ، کشف و شناسایی و معرفی نکرده اند . ذوالقرنین ستمگران را مجازات کرد و اما کسانی که بر

اساس شناخت و معرفت ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند پاداش نیکو داد . ذوالقرنین مدیریت الاهی را در سطح کشور بسیار وسیع ایران زمین به وجود آورد . او نظام پاداش دهی به پیشنهادها و اعمال صالح را به اجرا در آورد . بدین گونه بود که مدیریت و حکومتداری این کشور بزرگ برای او آسان گردید (سوره کهف / آیه ۸۸) .

موضوع تاریخی بسیار مهم در مورد ذوالقرنین این است که سدی بزرگ از آهن و مس بین دو کوه برای جلوگیری از تجاوز اقوام وحشی پدید آورده است . می دانیم که کوروش نخستین کسی است که سد ساخته است و از آهن به نحو انبوه استفاده کرده است و این سد در تنگه داریال در گرجستان امروزی قرار دارد . در آثار باستانی ارامنه این دیوار «بهاگ کورایی» به معنی «تنگه کوروش» نامیده می شود .

قرآن دانا و حکیم می فرماید : ذوالقرنین گفت : «تمکن و ثروتی که خداوند به من عطا فرموده (از هزینه کردن شما) بهتر است ؛ شما (فقط) با قدرت بازوی تان به من کمک کنید (هزینه را خودم بر عهده خواهم گرفت) تا سدی محکم برای شما بسازم (که مانع دستبرد آنها شود) . برایم قطعات آهن بیاورید» (آنگاه فرمود که زمین را تا هنگام رسیدن به آب بکنند و از عمق زمین تا مساوی دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند) . زمانی که میان آن دو کوه را برابر ساخت ، گفت : «در آتش

بدمید « تا هنگامی که آهن را به سان آتش گداخت ، گفت : « برایم مس گداخته آورید تا بر آن فرو ریزم » .

شناخت جهانیان از شخصیت کوروش :

مورخان یونانی صفاتی را از کوروش یاد می کنند که هر انسان اندیشمندی را در حیرت فرو می برد . اگر چه می دانیم یونانیان سال ها با ایرانیان در جنگ بوده و غیر یونانیان را بربر می شمرده اند . مورخان یونانی مانند هرودوت ، گزنفون ، پلوتارک ، کنت کورث ، دیودور ... و تاریخ نگاران یهودی در زمان کوروش و مورخان مسلمان بعد از اسلام .

سقراط افتخار می کند که سرباز کوروش بوده است .

افلاطون فلسفه سیاسی « فیلسوف شاه » را صد سال پس از کوروش از رفتار و کردار محبت آمیز و مساوات گستر او با ملل ایران زمین اخذ کرده است . ولی با توجه به این که وی به خدایان یونان اعتقاد داشته و هنوز به درک فلسفه توحید و وحدانیت نرسیده بود ، نمی توانسته است به پیامبر بودن کوروش اعتقاد داشته باشد . البته لازم است ذکر گردد که امام خمینی (ره) نیز تحت تاثیر این فلسفه سیاسی قرار داشته و کتاب « ولایت فقیه » را نوشته است . و باز باید این امر ذکر شود که هر دو سخت

در اشتباه بوده اند زیرا فلسفه سیاسی الاهی اسلام بر اساس « حکمت » و خرد جمعی و همگانی استوار است . و حکمت ساختار حکومتداری حکیمانه و مدیریت خردمندانانه مبتنی بر خرد جمعی و شورا و مشارکت و پیشنهاددهی همگانی مردم و عاری از هر گونه شرک ، فردمحوری ، من سالاری و ارباب سازی فرد ، حتا پیامبر خدا می باشد . این ساختار اخیراً کشف گردیده و نتایج عالی و غیرقابل تصور آن کاملاً روشن و آشکار و غیر قابل انکار می باشد . « حکمت » گشاینده درهای رحمت الاهی جهت دستیابی به نعمات و برکات بیشمار در همین دنیا می باشد .

ذوالقرنین بر این اساس مدیریت کرده و به همین خاطر مردم ایران زمین در گستره جهانی آن زمان را به رحمت الاهی و نعمات و برکات بیشمار رسانیده لذا مردم از او خوشنود بوده و او را رهبری عادل می دانسته اند . تمدن ایرانشهری بر این اساس به وجود آمده و نظریه فیلسوف شاه در مدینه آرمانی افلاطون از اندیشه ایرانشهری اخذ شده است .

تمدن ایرانشهری و تاثیر آن بر اندیشه افلاطون و یونانیان

ارسطو می گوید ایران مهد دموکراسی می باشد .

خبرنگاری که همراه اسکندر مقدونی برای فتح تخت جمشید آمده بود می نویسد که من در ایران دروغگویی ندیدم ، دزدی ندیدم .

هنگامی که اسکندر از مردم ایران می پرسد که چرا پس از شکست داریوش سوم ، قبل از این که ما به تخت جمشید برسیم به غارت خزانه های آن پرداختید ؟ ! مردم ایران پاسخ می دهند که ما چنین اخلاق و خوی و خصلت هایی نداریم .

تربیت کوروش بزرگ و جانشینان او مدت بیش از دویست سال دروغگویی و دزدی را در وجود مردم ایران ریشه کن نمود . این تربیت که ثمره یکتاپرستی و راستگویی است در دوران های بعد هم کم و بیش ادامه یافت و بی دلیل نیست که این تربیت برتر در وجود یک ملت نهادینه می شود .

فرهنگ دوران هخامنشیان و خصوصاً تأثیرات کوروش بر ملل ایران زمین و تاریخ پس از وی ثمره قرن ها و حتا هزاران سال تمدن این مرز و بوم است لذا نیاز به تحقیق و تفقه جامع علمی و همه جانبه و به دور از هر گونه تعصب ملی گرایی و یا یکجانبه گرایی دارد .

ذوالقرنین در قرآن مجید :

قرآن مجید و مجدآفرین می فرماید: « ذوالقرنین » کسی است که « اول به سمت غرب حرکت کرد ». وی اقوام و مردم کشورهای گوناگون را که تحت سلطه پادشاهان ظالم و ستمگر و خونریز قرار داشتند، آزاد ساخت. البته برخی از فرمانرویان را مجدداً به فرمانروایی همان کشور خودشان ابقاء نمود به شرط آن که بر طبق روش پیامبرگونه مدیریت کوروش مبتنی بر قسط: مساوات و اخوت، به اداره کشور خود به پردازند.

کوروش با آن که خود یکتاپرست و دست پرورده دایی و مادر یکتاپرست خود بود اما اقوام و مردم کشورهای آزاد شده را آزاد گذاشت تا دین خود را خود برگزینند. زیرا با زور نمی توان ایمان و اعتقاد را در مغز افراد فرو کرد. دینی که بر اساس زور و دستور و اجبار و اکراه و تقلید و یا فریب مصلحت طلبی ایجاد شود دین نیست بلکه یک فریب بزرگ است و نجات بخش بشریت نمی باشد. مردم باید از لحاظ فکری و عقلی و فرهنگی و عقلانیت همگانی رشد و پیشرفت کنند تا به دین و روش صحیح زندگی دست یابند.

اسلام واقعی هم همچون همه ادیان الهی با دین اجباری شدیداً مخالف است. قرآن کریم یک قانون مهم و اساسی را مطرح فرموده است به نام « لا اکراه فی الدین » (سوره بقره / آیه ۲۵۶): « در

دین هیچ اجبار و حتا اکراهی نیست . محمد (ص) پیامبر رحمت و حکمت به مشرکان می فرماید : « لکم دینکم ولی دین » (سوره کافرون / آیه ۶) : « دین و آیین شما برای خودتان و دین و آیین من برای من » .

دین اسلام واقعی دین شناخت و معرفت ، ایمان قلبی (تبلور شناخت ، تفکر ، تعقل ، تحقیق و تفقه علمی) و عمل صالح (تبلور ایمان و یقین و شناخت کامل) است . دین اجباری عامل سقوط و انحطاط مردم و جامعه و شکست است .

قرآن دانا و حکیم یک فرمول عالی و یک قانون اساسی به بشریت ارائه کرده است . مردم باید در هر زمینه تفکر و تدبر و تعقل کنند تا به شناخت کامل دست یابند . این شناخت قلبی (مغزی) موجب ایمان قلبی می شود . این ایمان قلبی و آگاهانه و مبتنی بر تحقیق و تفقه علمی است که مردم و جامعه را به عمل صالح (کارهای درست ، نیکو ، صحیح ، شایسته و خیر ، بی عیب و نقص ، بدون اسراف و تبذیر) هدایت و راهنمایی می کند .

قرآن کریم می فرماید سپس کوروش (ذوالقرنین) در مرحله دوم « به سمت شرق حرکت کرد » و اقوام و ملت هایی را که اسیر جهل و نادانی و ضلالت رهبران و مدیران خود بودند ، اسیر حاکمان خودپرست ، پول پرست ، تکاثرطلب ، رهایی بخشید .

خیلی از روحانیون و ملایان بی سواد و نادان قرن ها اسکندر مشرک و معتقد به خدایان یونان و دستپورده خرافات پوچ ایشان و فرزند فیلیپ مقدونی و حریص به مال و ثروت دنیا را به عنوان ذوالقرنین به مردم معرفی نموده اند . تا همین سال های اخیر بسیاری از مسلمانان نام فرزندان خود را اسکندر می گذاشتند . برخی از مسلمانان هنوز هم اسکندر را با همه کشت و کشتارها و چپاول اموال مردم دنیا ، رهبری دلیر ، کشورگشا و فرزانه می دانند زیرا وی شاگرد ارسطو بوده است !

البته بعضی از اعراب یکی از شاهان یمن را به عنوان ذوالقرنین معرفی کرده اند . در هر صورت تاریخ گواهی می دهد که اسکندر از غرب به سمت شرق حرکت کرد و تا هندوستان پیش رفت و به غارت ثروت ملل پرداخته و آنها را با کاروان های بسیار به یونان منتقل نمود . اما دنیا به او وفا نکرد و همه آن ثروت ها را گذاشت و رفت و در سن جوانی در اثر بیماری درگذشت .

سقراط (Socrates) افتخار غربیان در فلسفه و استاد افلاطون :

سقراط افتخار می کند که سرباز کوروش بوده است ؟

(ماخذ : کتاب پایدیا)

افلاطون (Plato) :

هنگام پادشاهی کوروش ، ایرانیان ، آزادی داشتند و همه مردان آزاد بودند و سرور و فرمانروای بسیاری از مردمان دیگر نیز بودند . فرمانروایان رعایای خود را در آزادی سهیم کرده بودند ، چون سربازان و سرداران همه را به یک چشم می دیدند و با همه به برابری (قسط : مساوات و اخوت) رفتار می کردند . اگر در میان ایرانیان مرد خردمندی بود که می توانست اندرزی بدهد (پیشنهاد بدهد) که برای مردمان سودمند باشد ، چنان می کردند که همه مردم از خردمندی او استفاده کنند .

پادشاه بر کسی حسد نمی ورزید اما به همه آزادی می داد تا آنچه می خواهند بگویند و آن کس را که اندرز (پیشنهاد ، موعظه ، نصیحت) بهتر می داد و رای بهتر می نهاد ، گرامی تر می داشت . این بود که کشور از هر لحاظ پیشرفت کرد و بزرگ شد زیرا افراد ، آزادی داشتند و در میان آنان محبت بود و نسبت بهم حس خویشاوندی می کردند .

(ماخذ : کتاب سوم قوانین - افلاطون)

تذکر و یادآوری مهم : این سخنان بیان دقیق نظام مدیریت الهی در قرآن مجید است . یک اسلام شناس واقعی با همین شرح کوتاه به وجود « قسط : مساوات و اخوت » و « نظام حمد و تشکر و

قدردانی فراگیر» در زمان کوروش پی می برد. اگر چه افلاطون نمی دانسته است که با بیان این شرح کوتاه دو قانون کلیدی از مهمترین قوانین اساسی ادیان الهی ارائه می دهد.

نظام مشارکت و پیشنهاددهی فراگیر مردم اساس حکمت الهی و اسلامی است و همه پیامبران بر این اساس قسط: مساوات و اخوت را توسط مردم به اجرا در آورده اند.

الگو گیری افلاطون از شاه آرمانی ایران باستان :

افلاطون در رساله الکیادس اول درباره تربیت شاهزادگان ایرانی از قول سقراط چنین می نویسد :

پس از آن که فرزندی در خاندان شاهی زاده شد او را به دست دایگان ناشایست نمی سپارند ، بلکه بهترین خواجهگان و پرورشگران را به تربیت او می گمارند تا در پرورش اندام های او مواظبت شایسته بجای آورد و پیکر او به بهترین شکل پرورده شود . این پرورشگران به سبب مهارتی که در کار خود یافته اند ، دارای مقامی بزرگ اند . فرزند خاندان شاهی چون به هفت سالگی رسید او را بر اسب می نشانند و به نزد استادان سوارکاری می برند و شکارگری می آموزند . در چهارده سالگی او را به کسانی که آموزگاران شاهی خوانده می شوند می سپارند . اینان چهار مرد برگزیده اند که در میان مردم پارس به برتری بر دیگران معروف اند . اولی فرزانه ترین ، دیگری دادورزترین ، سیمی پرهیزگارتترین و چهارمی دلیرترین آن مردم است . نخستین آموزگار ، آئین زردشت اهورا مزدایی را که پرستش ایزدان است به وی می آموزد و کارهای بایسته شاهی را بدو تعلیم می دهد . آموزگار دوم که دادورزترین کسی است

که به او می آموزد که همواره راست بگوید . آموزگار سیم که پرهیزگارترین مردم است نمی گذارد که وی مغلوب و دستخوش شهوات خود گردد ، و بدو می آموزد که به راستی شاه و آزاده باشد ، بر نفس خویش حاکم شود و بنده خواسته های خود نگردد . آموزگار چهارم که دلیرترین مردم است دلیری و بی ترسی را بدو تعلیم می دهد و می گوید که اگر وی ترسنده باشد ، باید خود را بنده بداند .

(مجتبیایی ، ۱۳۵۲ : ۲۵ - ۲۶)

آشیلوس (Aeschylus) :

کوروش ، قهرمان بختیار ، چون به قدرت رسید ، میان اقوام برادر ، صلح برقرار کرد ، و سپس لیدیه و فریگیه را مسخر خود ساخت و بر نیروی سراسر ایونی تسلط یافت . آسمان با او سر کین نداشت چون فرزانه بود .

(ماخذ : یونانیان و بربرها)

تورات (Torah) :

کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان ، از کوروش با احترام فراوان یاد می کند . در آیاتی از تورات چنین آمده است : خداوند می گوید ... درباره کوروش ... که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید ... خداوند به مسیح خویش ، یعنی کوروش ، ... چنین می گوید : من پیش روی تو

خواهم خرامید و جای های ناهموار را هموار خواهم ساخت ، و گنج های ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید ... من کمر ترا بستم هنگامی که مرا نشناختی تا از مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند

که سوای من احدی نیست .

(ماخذ : کتاب اشعیا نبی)

هرودوت (Herodotus) :

هرودوت در میان نوشته های خود ، کوروش را چون پهلوان بی مانندی نمایان می کند که پارسیان را از باجگذاری رهایی می دهد و بزرگ ترین قوم فرمانروای جهان می سازد . بنا بر عقیده هرودوت ، کوروش اندیشه های خردمندانه و هنرهای شاهانه دارد و از این روی برای پارسیان نیرومند ترین شاهنشاهی ها را بنیاد می ریزد . پایه و ارجش چنان است که ایرانیان حتی فرزندان خود را در برابر وی ارزشی نمی نهند . هرودت کوروش را جنگاوری دورانیش و پهلوان و نبرده و بی باک می نماید و او را دوستی وفادار و برازنده و شاهنشاهی پاکدل و آزاده و نرمخوی و شایسته ستایش تصویر می کند .

(ماخذ : سرگذشت کوروش - هرودوت)

گزنفون (Xenophon) :

گزنفون گوید: روزی در اندیشه افتادم که راز کامیابی فرمانروایان و دولت ها و علت های فراز و نشیب ملت ها و حکومت ها و چگونگی رفتار رهبران و کردار زیر دستان و مهربانی و جانفشانی کسان نسبت به یکدیگر پی ببرم و بدین نتیجه رسیدم که برای انسان بسیار آسان تر است که بر جانوران فرمان راند تا بر آدمیان .

اما هنگامی که به یاد آوردم که چگونه یک تن یعنی کوروش پارسی بود که بسیاری از آدمیان و شهرها و ملت ها را فرمانبردار خود کرد ، به ناچار گمان خود را دگرگون کردم و بر آنم که حکومت بر انسان ها نه کاری ناشدنی است و نه حتی دشوار به شرط آن که بخردانه و با هوشمندی در پی حکومت کردن بر آئیم . و ما از آنجا که این بزرگ مرد را در خور همه گونه ستایش می دانیم ، درباره تبار و خاندانش ، زایش و پرورشش ، و گوهرها و هنرهای خدادادیش و فرهنگ و آموخته هایش که این همه او را در فرمانروایی کردن بر مردمان کامیابی داده بود ، پژوهش ها کرده ایم ... **باری می دانم که مردمان به دلخواه خود کوروش را فرمان بردند .** با آن که گروهی از آنان از او چندان دور بودند که مسافت میان شان را چند روز و یا حتی چند ماه می بایست طی کرد و بسیاری از آنان هرگز ندیده بودند و برای بسیاری امیدی هم نمی رفت که روزی به دیدارش رسند . با این همه

همگان او را از صمیم قلب بندگی می کردند . چون او کسی شایسته فرمانروایی از مادر زائیده نشده است .

(ماخذ : کورش نامه - گزنفون)

از گزنفون نقل است که کوروش نیز دینداری را نه تنها نزد خود بلکه اتباع خود مایه خیر و برکت می پنداشت و می دانست که نزدیکی و تقرب افراد متدین و پرهیزگار کمتر از اشخاص بی دین و بدکار به او ضرر می رساند . همچنین معتقد بود آن‌ها که خداترسان اند ، پی کارهای ناصواب نسبت به یکدیگر و یا در حق او نمی روند .

(گزنفون ، ۱۳۶۹ : ۳۱۲)

دیودور (Diodorus) :

کوروش پسر کمبوجیه و ماندانا دختر پادشاه ماد ، در دلاوری و کارآئی خردمندان و در دیگر فرزاندگی ها سرآمد مردم روزگار خود گشت ، زیرا پدرش او را شاهانه پرورده بود و برای رسیدن به بزرگ ترین هدف ها و دست یابی به بهترین پایگاه ها تشویق کرده بود . از همان آغاز کارش پیدا بود که به انجام کارهای بزرگ کامیاب خواهد گشت زیرا فرزاندگی و کارآئیش برای کسی چنان جوان و تازه پای به میدان نهاده ، شگفت آور می نمود . همه گفته اند که کوروش نه تنها در جنگ دلاور و بی

باک بود ، بلکه در رفتار با زیردستانش میانه رو و پاک اندیش و انسان دوست بود و از این جهت ایرانیان او را پدر می خواندند .

(Diodorus Siculus : ماخذ)

گوینو (Gobineau) :

او هیچگاه نظیر خود را در این عالم نداشته است ... این یک مسیح بود ، مردی که در باره اش تقدیر مقرر داشته بود باید برتر از دیگران باشد .

(ماخذ : تاریخ ایران باستان - حسن پیرنیا)

فلویگل (Floigl) :

هنگامی که اوضاع تاریک و اندوهبار جهان را در اندک روزگاری پیش از کوروش به یاد می آوریم ، اهمیت بی کران آن شاه شکوهمند و بزرگ بهتر نمایان می شود . اگر او را بزرگ می دانند برای آن است که با وسایلی ناچیز به کامیابی هایی رسید که نمونه اش را کسی نشنیده بود . شاهنشاهی او نخستین شاهنشاهی جهانی بود . او مانند اسکندر ، ژلیوس سزار ، آتیلا ، شارلمانی و یا چنگیز خان نبود که برای سیر کردن حس آزمندی و جنگ جویی خود بر سر مردمان بیگانه تاخته باشد . از

همه این‌ها بالاتر، وی یک انسان بود. بر جامه‌اش لکه خون آلود هیچ فرمان کشتاری، یا کین جویی و ستمگری یافت نمی‌شود. او را به حق لقب بزرگ داده‌اند زیرا بدان گروه انگشت شماری از مردمان تعلق دارد که انسانیت نمی‌تواند از دادن لقب بزرگ به آنان دریغ کند.

(ماخذ : V.Floigl, Cyrus und Herodot nach den Neugefundenen Keilinschriften)

ویل دورانت (Durant) :

ویلیام دورانت مورخ و فیلسوف نامی آمریکایی کوروش را بدین گونه می‌ستاید : کوروش یکی از کسانی بود که گویا برای فرمانروایی آفریده شده‌اند، و به گفته امرسون همه مردم از تاجگذاری ایشان شاد می‌شوند. روح شاهانه داشت و شاهانه به کار برمی‌خاست. در اداره امور به همان گونه شایستگی داشت که در کشور گشایی‌های حیرت‌انگیز خود چنین بود. با شکست خوردگان به بزرگواری رفتار می‌کرد و نسبت به دشمنان سابق خود مهربانی می‌کرد.

(ماخذ : تاریخ تمدن - ویلیام دورانت)

گیرشمن (Ghirshman) :

ر. گیرشمن باستانشناس فرانسوی سخنان گیرایی در ستایش کوروش دارد : نسیمی جدید بر سراسر جهان وزیدن گرفت ، شهرها را از قربانی ها و قتل های به ناحق نجات بخشید ، حریق شهرهای غارت شده را خاموش نمود و اقوام را از اسارت و بردگی آزاد کرد . ایرانیان کوروش را پدر و یونانیان که وی ممالک ایشان را تسخیر کرده بود ، او را « سرور و قانونگذار » می نامیدند و یهودیان این پادشاه را بمنزله « ممسوح پروردگار » محسوب می داشتند .

(ماخذ : ایران از آغاز تا اسلام - ر. گیرشمن)

ایران شناسی (۲) : ایران یک واقعیت بزرگ

ایران یک واقعیتی است که وقتی صدای قسط : مساوات و اخوت محمد (ص) پیامبر رحمت و حکمت را شنید به اسلام واقعی روی آورد و به شدت از آن استقبال نمود . اما هنگامی که عمر بن خطاب و عثمان بن عفان قسط : مساوات و اخوت را زیر پا نهادند ملت ایران آنقدر آگاهی داشت که از آنها روی برگردانیده و آنها را به رهبری و امامت و خلافت (جانشینی خداوند بر روی زمین) و همچنین جانشینی پیامبر نپذیرند ، زیرا جانشینی پیامبر یعنی جانشینی خداوند . و راه رهبر عارفان و مدیر

مومنان امام علی (ع) را برگزینند زیرا که او همچون محمد رسول نبی امی (فرستاده پیامبر مهربان همچون مادر، پیامبر مهربانی ها) به قسط، برابری و برادری همگانی اعتقاد داشت و عمل می کرد.

عظمت مردم ایران آن زمان آشکار می شود که پس از ۱۴۰۰ سال مشاهده می کنیم که اکثریت اعراب (شاید به دلیل تعصب عربیت!) و اکثریت مسلمانان (شاید به دلیل جهل و نادانی نسبت به آیات قسط، مقسطین، قاسطین و قاسطون در قرآن کریم!) هنوز به شناخت و معرفت هدف عالی محمد (ص) یعنی قسط: مساوات و اخوت نرسیده اند و کسانی را که خود اقرار کرده اند که قسط را زیرپا گذاشته اند و در ضدیت با قرآن دانا و حکیم عمل کرده اند، به عنوان رهبر و خلیفه و جانشین پیامبر عظیم الشان می شناسند!!

ایران شناسی (۳): ایران یک واقعیت بزرگ

عظمت مردم ایران آن زمان آشکار می شود که هم صلح امام حسن (ع) برای حفظ اسلام واقعی را برگزیدند و هم قیام امام حسین (ع) را انتخاب کردند، به دلیل دفاع از دین جدم (اقامه و اجرای قسط: مساوات و اخوت در بین مسلمانان و بشریت) و احیاء امر به معروف و نهی از منکر. زیرا که این اصل مقدس (معروف شناسی: تبلور معرفت، علم و دانش) تداوم بخش حرکت انبیاء در

جامعه بشری است ، بر ضد فرعونیت و استبداد یزید فرزند معاویه (قاسط بزرگ اعراب تازه مسلمان شده) و بیعت نکردن با وی تا پای جان .

مردم ایران در مقابل اعراب تازه مسلمان شده ، که زیرپا نهادن قسط (هدف همه پیامبران الاهی !) توسط رهبران شان را گردن نهادند ، ایستادند و حاضر نشدند این انحراف بزرگ از اسلام واقعی را بپذیرند و دوباره قدم در راه گمراهی و ضلالت و حماقت تاریخی فرعون ها ، پادشاهان و استبدایان تاریخ بگذارند زیرا که این تجربه تلخ را پشت سر نهاده بودند .

امروز پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از انقلاب کبیر اسلامی محمد (ص) پیامبر رحمت و حکمت و اقامه قسط : مساوات و اخوت در مدینه النبی مشاهده می کنیم که بخش زیادی از مسلمانان هنوز این درک را ندارند که بعثت (برانگیخته شدن) همه پیامبران برای اجرای قسط بوده و برای به امامت رسانیدن مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تاریخ و همچنین جهاد بر ضد ظالمان ، ستمگران و قاسطین (قاسطون) تاریخ برای رهایی مردم از چنگال ایشان ، و برای برپایی خلافت همگانی مردم و کوتاه کردن دست خودپرستان و خودمحروران و پول پرستان و سرمایه داران (مشرکان واقعی) از سر ایشان .

ایران شناسی (۴) : ایران یک واقعیت بزرگ

ایران واقعیتی است که ۱۴۰۰ سال به دنبال حق دویده است و از حق پرستی دفاع کرده است .
اگر چه اکثریت روحانیان و ملایان گمراه ، بی سواد ، درباری ، پول پرست و منفعت پرست به جای آن
که راه تحقیق و تفقه قرآنی - علمی - کاربردی (اسلام شناسی قرآنی - علمی - کاربردی) و معروف
شناسی را در پیش بگیرند و راه راست ، صراط مستقیم مدیریت خردمندانه مبتنی بر شورا و پیشنهاددهی
همگانی ، حکمت : حکومت داری حکیمانه مبتنی بر قسط : مساوات و اخوت را به مردم نشان دهند ،
راه مصلحت جویی را در پیش گرفته و پادشاهان را به عنوان ظل الله ، سایه خدا به مردم معرفی نموده
و ایشان را اربابان مردم قرار دادند .

و این گونه بود که نظام پادشاهی ، نظام سلطنت ، نظام ارباب و رعیتی قرن ها تداوم یافت تا
زمانی که محمد رضا شاه ، توسط انقلاب سفیدش نظام ارباب و رعیتی را ملغا (ملغی ، لغو شده ، بی
اثر شده) اعلام نمود تا وی تنها ارباب بزرگ ، ارباب کشور ایران باشد و همه فقط به او تعظیم کنند و
فقط دست او را ببوسند . بدین ترتیب او با نابود کردن فئودالیسم در ایران ، کشور را به سوی سرمایه
داری هدایت نمود تا اربابانش در انگلیس و امریکا از وی خوشنود شوند . اما نمی دانست که اربابان
دنیا بی وفا ترین افراد هستند .

این در حالی است که قرآن دانا و حکیم فقط خداوند ، یعنی عقل مطلق ، عشق و محبت مطلق
، خیر مطلق و قدرت مطلق را ارباب مردم جهان می داند و هیچ کس یا هیچ چیزی را ارباب مردم قرار
نداده است چون شایستگی و صلاحیت این امر را ندارند .

اما ملت ایران همچنان در طول تاریخ برای حقانیت امام حسین (ع) سینه می زند و حاضر نیست خلیفه مسلط و ظالم و فاسد و خونریز را به عنوان رهبر و امام بر حق به رسمیت بشناسد و وی را قلباً نفی می کند. و اگر بتواند او را یدی هم نفی می نماید و اگر نتواند او را زبانی نفی می کند تا زمان مناسب فرارسد. و این گونه بوده است که مسلمانان به ویژه اعراب به انحراف رفته اند.

ایران شناسی (۵) : ایران یک واقعیت بزرگ

ایران واقعیتی است که وقتی نسیم آگاهی و شناخت علمی در جهان وزیدن گرفت ، اگر چه کمی با تأخیر ، یک گام بزرگ همچون انقلاب مشروطیت را برداشت و با این انقلاب خود تأثیر بزرگی بر کشورهای منطقه و اسلامی و عرب بر جای گذاشت . کتاب ارزشمند تنبیه الامه و تنزیه المله توسط یکی از رهبران آن انقلاب ، جهت هدایت ملت ایران و امت اسلامی به نگارش در آمده است که نفی کننده استبداد از جانب یک محقق است . یک محقق حوزوی که یکی از استثناء ها است بر قاعده اکثریت حوزویان در هزار سال گذشته . اما دست استعمار خارجی و خیانت و جهالت برخی روحانیان و ملایان و غفلت روشنفکران از توطئه های بین المللی ، نگذاشت این حرکت آگاهی بخش به ثمر برسد . انقلابی که می رفت نجات بخش ملت ایران و مسلمانان جهان باشد و راهکار مساوات و اخوت را کشف کرده و به اجرا در آورد .

((نام کامل کتاب « تَنْبِيهُ الْأُمَّةِ وَ تَنْزِيهِ الْمَلَّةِ فِي لُزُومِ مَشْرُوطِيَةِ الدَّوْلَةِ الْمُتَخَبَّهِ لِتَقْلِيلِ الظُّلْمِ

عَلَى أَفْرَادِ الْأُمَّةِ وَ تَرْقِيَةِ الْمُجْتَمَعِ » است ، نوشتار اصلی : محمد حسین غروی نائینی تاریخ نگارش

۱۳۲۷ هدف از نگارش این کتاب ، چنان که نائینی به صراحت بیان کرده ، تنبیه امت به ضروریات

شریعت و مبراً کردن ساحت دین (ملت) از زندقه و الحاد و بدعت (ظلم و استبداد) است . هدف

اصلی کتاب ، نفی استبداد و اقامه دلیل بر درستی حکومت مشروطه ، بر اساس مکتب تشیع ، و پاسخ به

اشکالات و شبهات مخالفان مشروطه است . نویسنده در سراسر کتاب ، با دیدگاهی که اسلام را توجیه

کننده استبداد و حاکمیت استبدادی می داند ، به شدت مخالفت می کند . به عقیده او منکران و مخالفان

آزادی ، مساوات ، شورا و قانون از قوای استبدادند ، از این میان به ویژه افرادی را که در زی روحانیت اند

و از جهل مردم به سود خویش سوء استفاده می کنند ، « شعبه استبداد دینی » در کنار « شعبه استبداد

سیاسی » می داند . به عقیده مؤلف ، استبداد دینی و قوای نفرین شده آن ، از تمام جنبه های استبداد ،

برای جامعه خطرناکتر و مقابله با آن نیز مشکل تر و « در حدود امتناع است » .

مرتضی مطهری این کتاب « ذی قیمت » را تفسیری دقیق از توحید عملی ، اجتماعی و سیاسی

اسلام دانسته که با استدلال ها و استشهادهای متقن ، از قرآن و نهج البلاغه توأم است)) .

ایران شناسی (۶) : ایران یک واقعیت بزرگ

ایران واقعیتی است برتر که انقلاب کبیر اسلامی مردم ایران را در چهل سال پیش با هدف برقراری « قسط : مساوات و اخوت » به ثمر رسانید و این امر در زندگی رهبرش امام خمینی (ره) و رئیس جمهورش ، شهید رجایی ، تجلی یافت . ایران واقعیتی است که هشت سال در مقابل صدام و استبداد حاکم بر حزب بعث و لشکریان مکانیزه و مجهزش ، همچنین در مقابل تمام قدرت های شرقی و غربی که با تکنولوژی پیشرفته و سلاح های مخرب مجاز و غیرمجازشان وی را پشتیبانی می کردند ، ایستادگی نموده و از آرمان هایش دفاع کرد و با شهادت فرزندانش جهاد و جانفشانی نمود .

انحراف از قسط زمانی آغاز شد که شهید مطهری ، شهید بهشتی و شهید رجایی و اکثر کسانی که به قسط اعتقاد راسخ داشتند ، به شهادت رسیدند و شاید هم عمداً توسط شیاطین حذف شدند و پول پرستان و توطئه چینان داخلی و خارجی یک بار دیگر با هم متحد شدند تا جلو اقامه قسط : مساوات و اخوت در این کشور را بگیرند .

نمایندگان افسار نوکیسه و باندهای لیبرال وطنی در مجلس شورای اسلامی و روحانیونی که تا دیروز دست شاه را می بوسیدند و بعد از انقلاب رنگ عوض کرده بودند ، بر خلاف قانون اساسی انقلاب اسلامی ، حقوق های نجومی برای مدیران عالی کشور و نمایندگان مجلس به تصویب رسانیدند که همین امر موجب بنیان گذاری اختلاف شدید طبقاتی در جامعه و انحراف انقلاب اسلامی مردم

ایران گردید . حوزه های علمیه و علما و فقها که باید در مقابل این انحراف بزرگ از قسط : مساوات و اخوت اعتراض شدید می نمودند کوچک ترین اعتراضی نکردند و خاموش نشستند !! گویا که خداوند یگانه و دانا و حکیم اصلاً از هدف والایی به نام قسط : مساوات و اخوت در قرآن کریم یاد نکرده و آن را هدف همه پیامبران الهی قرار نداده است !

ایران شناسی (۷) : ایران یک واقعیت بزرگ

ایران واقعیتی است برتر که پس از پیروزی انقلاب کبیر مردم در چهل سال گذشته اندیشمندان و روشنفکرانی را همچون مصطفی ملکیان پرورش داده که راه نجات کشور را در توزیع عادلانه خیرات اجتماعی می دانند . وی می گوید تمیز اجتماعی بزرگ ترین مصیبت است . جلو آن را باید گرفت . وی پیشنهاد مولوکول شدن را مطرح می نماید . آن چیزی که همبستگی اجتماعی در بین مردم ایران یا جهان به وجود می آورد توزیع منصفانه خیرات اجتماعی : توزیع عادلانه مطلوب های اجتماعی برای افراد بشر ، ثروت ، شهرت ، قدرت سیاسی ، احترام ، آبرو ، رفاه ، آزادی ، محبوبیت ، نظم و غیره است .

رعایت قسط و مساوات در همه امور جامعه ، مستثنی از دین و مذهب و ایدئولوژی یک قاعده مبتنی بر فطرت و طبیعت بشر است . هر چه انانیت در وجود افراد بیشتر باشد افراد جامعه از هم دورتر می شوند و هر کس به دنبال منافع خود می دود . در این صورت است که حرص و طمع بر جامعه حاکم می شود .

سلامت روانی برای افراد یک جامعه وقتی به دست می آید و مردم شادتر زندگی می کنند که رهبران و مدیران جامعه پذیرند همچون پیامبر رحمت و حکمت (ص) و امام علی (ع) قسط : مساوات و اخوت و انصاف را بر جامعه حاکم کنند و خیرات اجتماعی منصفانه توزیع شود . بر این اساس رهبران و مدیران جامعه باید در سطح مردم عادی زندگی کنند و دست از کاخ نشینی و اشرافی گری و خودروها و خانه های تجملاتی بردارند . این مهمترین عامل اقتصادی و اجتماعی است که جوامع را به سوی سعادت و نیک بختی هدایت می کند و از این پس دیگر هیچ کس در رنج و سختی معیشت و گرسنگی قرار نمی گیرد و از بیچارگی در کپر یا گوشه خیابان یا قبرستان زندگی نمی کند .

هنگامی که شرایط مساوی برای رشد و پیشرفت همه مردم فراهم شود در این صورت استعداد های افراد نمایان شده و خلاقیت و نوآوری در جامعه شکوفا می گردد و زمینه های شایسته سالاری علمی و تخصصی فراهم می شود . در این جامعه همه برنده می شوند ، و نه این که اقلیتی ناچیز برنده شوند ، آقازاده های دارای ژن برتر ! و اکثریت مردم بازنده روابط غلط اجتماعی و اقتصادی حاکم که حوزه های علمیه ایجاد کرده اند ، گردند .

با این که دکتر ملکیان اصرار بر این دارد که همه خیرات اجتماعی به انصاف در بین مردم تقسیم شود اما در تعجب ام چرا وی که در حوزه تحصیل کرده و رشد یافته است حتا یک بار هم از کلمه « قسط » یادی نمی کند! گله ای در کار نیست. مقصود آن است که اهمیت این موضوع مهم بیان گردد. همان طور که شرح داده شد قسط سرنوشت جوامع را تغییر داده و آنها را به سوی خیرات و نعمات و رحمت بی کران الاهی هدایت می نماید، همچنین سرنوشت یکایک افراد را نیز تغییر داده به سوی شناخت و معرفت برتر، ایمان قلبی برتر و عمل صالح برتر هدایت می کند.

عشق مردم به خداوند و عشق خداوند به مردم : موضوع بسیار مهم سوم

آقای ملکیان در یکی از سخنرانی های خود می فرماید من نفهمیدم این عشق به خداوند یعنی

چه ؟

در پاسخ به این امر به یاد آن بغض آقای دکتر ملکیان برای امام علی (ع) و گرسنگی فرزندان

امام، به خاطر مساوات با محرومان و مستضعفان پابرهنه، و حق هق گریه وی برای فقرا و دردمندان در

پشت تریبون سخنرانی افتادم. از خود پرسیدم آیا این امر همان عشق به خداوند نیست ؟

آیا همان سخنرانی های استاد و سایر محققان و اندیشمندان حق طلب ، برای رهایی ملت مظلوم

از چنگال ظلم و ستم استبداد و فریبکاری های منحرفان از انقلاب اسلامی ، عشق به خداوند نیست ؟

آیا عشق به خداوند همان تا پای جان ایستادن برای اقامه حق و نپذیرفتن باطل نیست ؟ هم

ایستادگی امام حسین (ع) ، و هم ایستادگی همه محققان و دانشمندان حق طلب ؟

آیا ۲۳ سال تلاش و کوشش محمد (ص) برای نجات بشریت از شر جهل و نادانی و ضلالت

، و از شر خشم و غضب و خشونت ، بدون چشمداشت دریافت کوچک ترین مزد از مردم ، و به ثمر

رسانیدن و تحقق قسط : مساوات و اخوت در بین اعراب تازه مسلمان شده و بنیان گذاری بهشت برای

ایشان ، مسلمانان و بشریت ، عشق به خداوند نبود ؟

آیا خوابیدن علی (ع) در بستر پیامبر برای نجات جان وی از شر مشرکان مکه ، عشق وی به

پیامبر و خداوند یگانه نیست ؟

آیا شکستن همه بت های مکه ، بت های جاهلیت اعراب ، در عین آگاهی از تعصبات کور آنها بر آیین پدران شان و جنگ های متعددی که بر پیامبر و اصحابش تحمیل کردند ، برای نجات ایشان از شر شرک آشکار و از آن مهمتر شرک پنهان ، تکبر و خودبرتربینی و تعصب جاهلی ایشان ، عشق به خداوند نبود ؟

آیا پذیرش ۲۵ سال سکوت توسط علی (ع) ، کسی که امامتش توسط خداوند و پیامبر رحمت و حکمت (ص) تایید شده ، برای جلوگیری از خونریزی در بین مسلمانان و کشتار مردم بی گناه ، عشق به اسلام واقعی و عشق به خداوند نیست ؟

آیا بت شکنی ابراهیم (ع) و پذیرش افتادن به آتش خشم مشرکان ، عشق به خداوند نیست ؟

عشق خداوند به مردم :

و متقابلاً ، فرستادن پیامبری مهربان تر از مادر برای نجات بشریت ، محمد (ص) ، رسول نبی اُمّی : (فرستاده ای با رسالت اعظم) برای نجات مردم از چنگال فرعون ها ، پادشاهان ظالم ، مستبدان ستمگر و خونریز ، پیغمبری با پیغام بسیار مهم و نجات بخش ، هشداردهنده ای بیدارکننده و آگاه کننده بشر از شر (شرک ، شک و شیاطین آشکار و پنهان ، جهل و نادانی و ضلالت ، خشم و غضب

و خشونت) ، همراه با پیام اکبر اقامه قسط : مساوات و اخوت ، و بشارت دهنده به نجات و پیروزی و

فلاح در همه ابعاد و زمینه های زندگی بشر ، عشق خداوند به مردم نیست ؟

آیا نزول قرآن دانا و حکیم و ارسال برترین نظام مدیریت برای مسلمانان و بشریت ، حکمت :

حکومتداری حکیمانه و مدیریت خردمندانه مبتنی بر شورا و پیشنهاددهی همگانی مردم ، به منظور ایجاد

رشد و پیشرفت عالی در همه زمینه ها برای مسلمانان و بشریت ، عشق خداوند به مردم نیست ؟

آیا معرفی قوانین اساسی قرآنی - علمی - کاربردی همچون « معروف شناسی » ، « حمد شناسی

» ، « معرفت و شناخت ، ایمان قلبی ، عمل صالح شناسی » ، « توحید و شرک شناسی » و غیره توسط

خداوند دانا و حکیم و هدایت مردم به صراط مستقیم یعنی پیروی از معروف (تبلور معرفت ، علم و

دانش) ، و معرفی نماز به منظور عدم پیروی محققان از جاهلان و نادانان و ضلالت پیشگان و همچنین

عدم پیروی از خشم و غضب و خشونت پیشگان ، عشق به خداوند به مردم نیست ؟

و تا شناخت این عشق پاک نباشد بشر از شر جهل و نادانی نجات نمی یابد .

آیا قصه موسی (ع) و شبان، عشق خداوند به مردم را آشکار نمی سازد؟ چرا باید خداوند پیامبر اولوالعزم خود را به خاطر سخنان نابخردانه یک شبان آن گونه مورد عتاب قرار دهد؟ با کمی تفکر و تعقل معلوم می شود که حق با خداوند است. مگر اکثریت مردم در طول تاریخ را همین شبانان تشکیل نمی دهند؟ مگر برانگیخته شدن انبیاء برای وجود همین مردم ناآگاه نبوده است؟ مگر این عشق نیست که قدم به قدم مردم را از جهالت ها و نادانی های شان رها ساخته و به راه راست هدایت می نماید

؟

و همچنین آیا حکایت محمد (ص) پیامبر رحمت و فرد سائل کور (نابینا، اعما) عشق خداوند به مردم را بیان نمی دارد؟ هر موقع سوره عبس و تولی را می خوانم دلم به شدت برای رسول مهربانی ها، پیامبر هزار بار مهربان تر از مادر، می سوزد. چرا باید خداوند پیامبر خود را آن گونه مورد عتاب قرار دهد؟ مگر پیامبر در حال انجام وظیفه هدایت و ارشاد سران اعراب مشرک نبوده است؟ باز با کمی تفکر و تعقل و تدبر معلوم می شود که حق با خداوند است.

قصه آن است که همه اسلام همان عشق خداوند به مردم است و عشق متقابل مردم به خداوند. اسلام رحمانی با همین عشق، ایثار و فداکاری است که توسعه می یابد و جهان گیر می شود، و نه با

جنگ و خونریزی . عشق پیامبر و امام به مردم ، فقرا ، مستمندان ، مستضعفان و محرومان و اقامه قسط : مساوات و اخوت . و عشق مسلمانان به پیامبر رحمت و حکمت (ص) و امام . و در دنباله آن عشق به « معروف شناسی » ، عشق محققان و اندیشمندان به حق ، حق طلبی ، حقیقت ، علم ، دانش ، معرفت و معروف .

باید ایمان بیاوریم که تنها « معروف شناسی » است که دنباله راه انبیاء الاهی است .

امیدواریم با همفکری و همیاری همه اندیشمندان و فرزندگان و روشنفکران خیراندیش و اتحاد و همبستگی شما مومنان راستین ، قرن پانزدهم هجری شمسی را با استقرار « اسلام واقعی » در کشور آغاز نماییم و هر چه خیر و نیکی و پیروزی و موفقیت است برای ملت شریف ایران به دست آید و همچنین در شروع همین قرن با اقامه قسط : مساوات و اخوت در بین همه مسلمانان ، تشکیل امت بزرگ اسلام تحقق یابد . خداوند قطعاً شما قسط گستران را دوست داشته و قطعاً یار و مددکار شما نیکان خواهد بود .